

## گردها و جنبش سبز،

عبدالله مهتدی



این مطالبات تراوشات فکری هیچ فرد و یا گروه به خصوصی نیست، بلکه جمع بستنی است از خواست هایی که سال هاست در شعور عمومی مردم کردستان وجود دارد و در مقاطع گوناگون از طرف بسیاری از مبارزان و کوشندگان سیاسی و روشنفکران و صاحبان قلم و احزاب سیاسی کرد بیان شده است. الزاما کلام آخر هم نیست، بلکه امیدوارم که انتشار آن به آغاز تبادل نظری سازنده میان احزاب و شخصیت ها و صاحب نظران سیاسی کردستان بینجامد تا در صورت لزوم با اصلاح و تکمیل آن، مبنائی برای امر حیاتی اتحاد سیاسی در کردستان فراهم آید

حرکتی که هفت ماه پیش در اعتراض به تقلب گسترده انتخاباتی در جریان دوره دهم انتخابات ریاست جمهوری آغاز شد، در ادامه خود به یک جنبش گسترده مردمی علیه دیکتاتوری و برای کسب حقوق دموکراتیک، و به مهم ترین چالش اجتماعی و سیاسی پیشروی جمهوری اسلامی ایران طی سه دهه حیات این رژیم تبدیل شده است. این جنبش سبزنام گرچه هنوز از محدودیت های اجتماعی، سیاسی، قومی و جغرافیائی قابل ملاحظه ای رنج میبرد، اما به سرعت از یک اعتراض برحق ولی محدود به یک جنبش گسترده و فراگیر دموکراسی خواهانه فرارونده است. این جنبش مردمی با نشان دادن ابتکار و خلاقیت تحسین برانگیز، با برخورد های عقلانی و متین و به دور از خشونت و با بهره گیری بهینه از دستاوردهای تکنولوژی ارتباطات همگانی و رسانه ای، شایستگی مردم ایران را برای برخورداری از یک نظام اجتماعی و سیاسی بالاتر در انظار جهانیان ثابت کرده و نشان داده است که مردم ایران حقوق شهروندی خود را شناخته و آن را مصرانه طلب می کنند .

طی این هفت ماه رژیم جمهوری اسلامی با شدت و خشونت تمام با این جنبش مدنی و مسالمت جو برخورد کرده و سیاست ضرب و جرح و زندان و شکنجه و تجاوز و قتل و اعدام و ارباب را در پیش گرفته است، روشی که طی سی سال گذشته نیز بارها توسط حاکمیت به کار گرفته شده بود. اما در دوره کنونی توان بسیج مردمی رژیم به شدت کاهش یافته، ریزش درون حاکمیت و بدنه آن رو به افزایش رفته و اقدامات سرکوبگرانه تأثیر عکس گذاشته است. به ویژه جوانان و دانشجویان و زنان آگاه با مقاومت و دفاع شجاعانه خود به این رژیم درسی داده و نشان دادند که جنبش ضمن ایستادگی محکم در مقابل سرکوبگران از راه صحیح خود نیز منحرف نشده است .

برخورد های خشن حاکمیت، که طبق معمول با دروغ و تهدید و رجزخوانی نیز توأم است، بر زمینه نارضایتی های عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، جنبش را به سمت نقد و نفی هسته اصلی نظام جمهوری اسلامی و اساس دیکتاتوری این نظام یعنی ولایت فقیه سوق داده است. در واقع از نظر مردم معترض ولایت فقیه عصاره و خلاصه همه آن چیزهایی است که باید کنار گذاشته شود . قانون اساسی جمهوری اسلامی باید در یک پروسه دموکراتیک جای خود را به یک قانون اساسی مبتنی بر اصول و موازین دموکراسی و نیز واقعیات و نیازمندی های جامعه متکثر و گونه گون ایران بدهد که در آن حقوق بشر و میثاق های جهانیاش محترم شناخته شده و ملاک قرار گیرد .

جنبش دموکراسی خواهی کنونی ایران در سیر رشد خود لزوم جدائی دین از دولت را همچون نیازی واقعی برای تحقق دموکراسی با گوشت و پوست خود درک کرده و آن را به یکی از خواست های اساسی خود تبدیل کرده است. تجربه سه دهه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران گواه آن است که حاکمیت دینی جز تبعیض و حذف و سرکوب و عقب ماندگی جامعه نتیجه دیگری ندارد. تلاش برای یک ایران دموکراتیک و سکولار دیگر از محدوده نخبگان خارج شده و در مقیاس اجتماعی به خواست گسترده جنبش دموکراسی خواهی بدل شده است .

فعالیت های اجتماعی و فرهنگی و فردی همه آثار عقیماندگی قرون وسطائی بازمانده از گذشته و تحمیل شده به وسیله جمهوری اسلامی زودوده و جبران شود .

نظام آینده ایران در عین حال و به عنوان تعمیم منطق دموکراتیک خود، باید یک نظام غیرمتمرکز یعنی فدراتیو باشد تا بتواند به معنای واقعی تکثر جامعه ایران را در نظر و دربر گرفته و بازتاب هرچه مستقیم تر خواست ها و اراده مردم کشور خود گردد. لازمه نزدیک کردن و مرتبط کردن هرچه فشرده تر انتخاب کنندگان به انتخاب شوندهگان و تأمین مشارکت بخش های هرچه وسیع تر و گوناگون مردم ایران در اداره امور خود، تغییر ساختار فوق متمرکز و متراکم اداره کشور و تفویض اختیارات به مناطق و نواحی گوناگون کشور است. به رسمیت شناختن تنوعات گوناگون جامعه ایران و بازتاب دموکراتیک این تنوعات در ساختار حکومت آینده ایران از ضروریات حتمی دموکراتیزه کردن حیات اجتماعی ایران آینده است. بهترین شکل حل این مسأله در ایران یک نظام دموکراتیک و سکولار و فدراتیو می باشد و قانون اساسی دموکراتیک آینده ایران باید حقوق همه ملیت ها و اقوام کشور را به رسمیت شناخته و حفاظت کند .

دولت های عصر جدید ایران طی بیش از یک قرن، چه در دوره سلطنتی و چه در دوره جمهوری اسلامی و حاکمیت روحانیت، با اتکا به ایدئولوژی های تبعیض گرا و ساختار فوق متمرکز، نظام هائی استبدادی پی افکنده اند که به عنوان نمونه حتی انجمن های ایالتی و ولایتی مصوب دوران مشروطیت را نیز، که خود بازتابی از خواست واقعی و ترکیب واقعی جمعیت و اهالی کشور بود، برنتابیده اند. نادیده گرفتن سیستماتیک و طولانی مدت ترکیب متنوع قومی و زبانی و مذهبی کشور، موجب تبعیضی ساختاری، گاه آشکار و گاه ناپیدا، علیه بخش قابل ملاحظه ای از اهالی و شهروندان کشور و تبدیل آن به یک نرم در جامعه ایران شده است، به نحوی که در اکثر موارد کسانی که خود مورد این تبعیضات قرار ندارند، حتی متوجه وجود آن، زشتی آن و ناسازگاری آن با مبانی اساسی دموکراسی و حقوق بشر نمی شوند.

همه ملیت ها، و یا آن چنان که در گفتمان رایج امروز در ایران گفته می شود همه اقوام ساکن ایران، ضمن داشتن حق اداره مناطق خودشان از طریق مراجع انتخابی، باید بتوانند در کلیه سطوح اداره کشور تا بالاترین مراجع بدون هیچ محدودیت و تبعیض و بر اساس شایسته سالاری شرکت نمایند و به این منظور کلیه تبعیضات مذهبی و محرومیت های قانونی موجود علیه آن ها برای تصدی مقامات بالای حکومتی باید لغو شوند. همچنین سایر تبعیضات در زمینه برنامه های توسعه اقتصادی، سرمایه گذاری، اشتغال و برنامه های رفاهی و فرهنگی باید برچیده و جبران شود. زبان های قومی گوناگون باید در کنار زبان مشترک فارسی به رسمیت شناخته و تدریس شود.

به رسمیت شناختن حقوق این خلق ها و قائل شدن روش هائی که قانونا این حقوق را تضمین کرده و به این تبعیضات و نابرابری ها خاتمه دهد، بدون شک احساس تعلق، امنیت و مشارکت را در همه مردم ایران بالا برده و لذا نیرومندترین عامل حفظ وحدت و همبستگی ایران خواهد بود.

تا آن جا که به طور مشخص به مردم کرد مربوط می شود، جمهوری اسلامی از همان بدو بر سر کار آمدنش سیاست تبعیض و سرکوب خشن و خونین و نظامی کردن و امنیتی کردن فضای کردستان را مبنای کار خود قرار داده است. «فرمان هجوم» به کردستان در روز ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۸، که بر اساس بهانه های کاملاً واهی و ساختگی صورت گرفت، هرگز از خاطره مردم کردستان محو نخواهد شد. دفاع مشروع و مقاومت همه جانبه مردم کردستان در برابر این لشکرکشی وحشیانه که طی آن هزاران نفر از بهترین فرزندان خود را نیز از دست دادند، یکی از صفحات درخشان حیات و مبارزه این ملت را تشکیل می دهد. مردم کرد هرگز خواهان برخورد خشنونت آمیز برای حل مسائل اجتماعی و سیاسی نبوده و نیستند و امروز کمتر از همیشه به این نوع راه حل ها تن می دهند. مسئول و مسبب خشنونت در کردستان تنها جمهوری اسلامی است. فراموش نکنید که گردها بارها بهای حسن نیت و اعتقاد خود به گفتگو و راه حل مسالمت آمیز را با جان رهبران خود داده اند. دکتر عبدالرحمن قاسلمو، از رهبران مشهور کرد، در حین مذاکره جان باخت چرا که «مذاکره کنندگان» جمهوری اسلامی یک باره تروریست از آب درآمدند و در قلب اروپا ایشان و هیأت مذاکره کننده همراه وی را با دست خود به قتل رساندند. ما خواهان یک جامعه مدنی و آزاد و دموکراتیک هستیم که در آن مسائل اجتماعی و سیاسی از طریق مباحثه آزادانه در رسانه ها و در سطح جامعه و نهایتاً از طریق صندوق های رأی حل و فصل شود. ما خواهان یک جامعه مداراگر و تکرنگرا هستیم که در آن تنوع مذهبی، زبانی، فرهنگی و عقیدتی جامعه ما سرچشمه غنا و زیبایی کشور باشد و نه بهانه ای برای تبعیض و سرکوب و محروم سازی.

مایلم به ویژه نسل جوان کشورمان، نسل بیدار شده ای را که با شجاعت تمام رودر روی استبداد ایستاده است، نسلی را که دارد با سر هشیار و چشمان باز مفروضات تحمیلی دهه های گذشته را یکی پس از دیگری مورد واریسی و بازبینی قرار می دهد، خطاب قرار دهم و واقعیاتی را در مورد کردستان با آنان در میان بگذارم. بدانید که یکی از فاحش ترین دروغ های رژیم جمهوری اسلامی که باید مورد تردید و تجدید نظر شما قرار گیرد راجع به کردستان و مردم کرد است. نسل جوانی که خود در ماه های اخیر دروغ زنی و تبلیغات مسموم این رژیم را آزموده است، باید بداند گردها سی سال است که در معرض بمباران دروغ پردازی های این رژیم قرار دارند، سی سال است که افکار عمومی از طریق همان رسانه های دروغگوئی که امروزه شما به درست شناخته اید، با شایعات و حشنتاک در مورد مردم کردستان تغذیه می شود. گردها در طول سه دهه گذشته با همان استبداد و سرکوب خشنی مواجه بوده اند که امروزه شما در خیابان ها و بازداشتگاه ها با آن پنجه درافکنده اید، آن ها همان خواست های عادلانه و آزادی خواهانه و انسانی را داشته اند که شما امروز دارید، شما به خاطر خواست هایتان امروز از طرف رژیمی محارب اعلام می شوید که سی سال است مردم کردستان را محارب قلمداد کرده و به این بهانه در زندان ها مورد حبس و شکنجه قرار داده و یا به دست جوخه های اعدام سپرده است بدون این که حتی فریادشان هم به جایی رسیده باشد. آیا هیچ می دانید چقدر دختران کرد در همان «دوران نورانی» جمهوری اسلامی برای این که باکره به بهشت نروند قبل از اعدام از طرف «سربازان گمنام امام زمان» مورد تجاوز قرار گرفتند؟ می دانید چقدر جوخه های اعدام و چوبه های دار برپا شد بدون این که هیچ دادگاه عادلانه ای تشکیل شده و کوچک ترین موازین قضائی رعایت شده باشد؟

کردستان به خاک و خون کشیده شد، خانواده ها داغدار شدند، زندان ها و تبعیدها و اخراج های گسترده باب شد، اجزایی که ریشه در تاریخ و مبارزات ملت کرد و در قلوب آحاد آن داشتند و دارند با آتش و دار پاسخ گرفتند، اما آیا می دانید که راز واقعی حمله به کردستان و شخم زدن آن با تانک ها نه خشنونت و سربریدن گردها و نه وابستگی آن ها به اجانب و نه هیچ کدام از دروغ های

شاخدار دیگر رژیم جمهوری اسلامی بلکه این واقعیت بود که مردم کردستان در فراندوم جمهوری اسلامی شرکت نکردند، این بود که جنبش کرد و احزاب سیاسی آن سکولار و دموکراسی خواه بوده و حاضر نبودند زیر بار اسلام سیاسی بنیادگرای انحصارطلب بروند؟ آیا می دانید که پیشکسوت نوگرانی دینی در کردستان و رهبر روحانی و معنوی مردم کرد شیخ عزالدین حسینی از همان اوائل انقلاب، زمانی که نه فقط روحانیون بلکه نواندیشان دینی امروز نیز در امواج شیفتگی به حکومت دینی غرق شده بودند، آشکارا ندای جدائی دین از دولت، دفاع از دموکراسی، دفاع از حقوق دگراندیشان و برابری حقوق زنان را سر داده بود؟ آیا می دانید که ما همان موقع علیه معرکه گیری اشغال سفارت موضع گرفتیم و آن را حربه ای برای سردرگم کردن مخالفان و سرکوب بعدی آن ها می دانستیم؟ آیا می دانید که در کردستان آزاد خبری از حجاب اجباری و دستجات حزب الله نبود و نهادها و فعالیت های سیاسی و فرهنگی از همه جا می روئید و نشریات آزادانه چاپ میشد و امنیت همه هم تضمین شده بود؟ آیا می دانید که آن هنگام کردستان به منزلگاه و مأمن آزادی خواهان سراسر ایران نیز تبدیل شده بود؟ آری، کینه سردمداران ثروت و قدرت جمهوری اسلامی به کردستان به خاطر این ها است. آن ها وجود آزادی را در کردستان برنمیافتند و از بیست و هشت مرداد سال ۱۳۵۸ به این سو دقیقاً به همین دلیل آن را با آهن و آتش کوبیده اند. دروغ های جمهوری اسلامی را در مورد مردم کردستان باور نکنید و بدانید که دروغ های سران نظام و رسانه های آن فقط مختص به شش ماه اخیر نیست و ما سی سال است که علاوه بر سرکوب و خشونت مستقیم زیر بار کوهی از اتهامات دروغین و تفرقه افکنانه نیز زجر می کشیم. خرافات رائج در مورد کردها را دور بیندازید و تصویرتان در مورد مردم کردستان و خواست های آن ها را بهروز کنید .

بگذارید این را هم اضافه کنم که در طول این دهه های سیاه ما هرگز سر تسلیم فرود نیاوردیم، هرگز زانو نزدیم، اما هرگز نیز به مقابله به مثل کور و تروریستی روی نیاوردیم و برتری اخلاقی خود را در فاصله ای عظیم با دشمنان آزادی حفظ کردیم. شما نسل جوان امروز ایران بدانید که در کردستان جوانان سرباختند، اما سر فرود نیاوردند؛ چه گردن ها که زده شد بی آن که سری خم شده باشد. تصویر اعدام های دسته جمعی کردستان که مهم ترین جایزه عکاسی جهان را از آن خود کرد، تنها توحش سربازان ولایت فقیه را ثبت نکرده بلکه تصویر غرور و مقاومت سرفرازانه مردم کردستان را نیز جاودانی کرده است. نسل جوان امروز کردستان با اعتقاد و اعتماد کامل به مبارزه سیاسی و مدنی مردمی آماده است که دست در دست شما برای آزادی مشترکمان پیکار کند. بیایید همدیگر را بهتر درک کنید تا دست های اتحاد جوانان ما در سراسر ایران برای آزادی و بهروزی بیش از پیش به هم تنیده شود. خواسته های خلق کرد طی دهه های اخیر نه ناشناخته و مبهم و نه غیرعادی و غیرعادلانه بوده است. این خواست ها در سال های اول پس از انقلاب نیز چندین بار از طرف هیأت های نمایندگی خلق کرد به هیأت های اعزامی حکومت جمهوری اسلامی ارائه شده است. مردم کردستان خواهان حقوق و مزیت های ویژه ای برای خود نیستند، خواهان جدائی از ایران نیستند، خواست هائی ندارند که از چهارچوب متعارف نظام های دموکراتیک معاصر و موازین شناخته شده حقوق بشر بیرون باشد. انتظار به حق مردم کردستان از رهبران و شخصیت های سیاسی و فرهنگی تأثیرگذار جنبش سبز و از فعالان و کوشندگان عملی جنبش این است که خواست های مردم کردستان را مورد تأیید و پشتیبانی قرار دهند و به این وسیله در رفع نگرانی های مردم کردستان، که چندان هم ناموجه نیست، به سهم خود بکوشند. اکنون که درک جدیدی از تاریخ سی ساله گذشته در بسیاری از زمینه ها دارد شکل میگیرد و روایت های دروغین و گمراه کننده پیشین جای خود را به درک منصفانه و روشن می دهد، انتظار از نویسندگان و صاحبان قلم که در شکل گیری گفتمان عمومی مؤثرند این است که وضعیت مردم کردستان و آن چه را بر آن ها رفته است بیش از گذشته جستجو و بازگو کنند .

یک بار دیگر ضمن ابراز همبستگی با جنبش دموکراسی خواهی مردم ایران و پشتیبانی از مطالبه حداقل جنبش یعنی انتخابات آزاد و نیز خواست های فوری از قبیل متوقف کردن اعدام ها و خشونت ها، آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی، آزادی بیان و تجمعات و احزاب، به عنوان پیش شرط های یک انتخابات واقعا آزاد، و هشدار نسبت به خطر سازش به منظور خواباندن جنبش و خاموش کردن صدای رسای مردمی که خواهان تغییر نظام سیاسی کشورند، مجدداً تأکید مینمایم که مردم کرد بیش از همه از استبداد زبان دیده اند، عمیقاً در دموکراتیزه کردن ایران ذی نفع اند و لذا هر دستاورد جنبش مردمی علیه استبداد را به گرمی تأیید و پشتیبانی می کنند .

در پایان، لازم می دانم مواد زیر را به عنوان برداشت خود از خواست های حداقل مردم کردستان، که شاید بتوانند در شرائط کنونی نقطه وحدت جنبش حق طلبانه مردمی در کردستان قرار بگیرند، به آگاهی برسانم .

- ۱- لغو احکام اعدام صادره و به طور کلی پایان دادن به اعدام های سیاسی در کردستان؛ آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی
- ۲- برچیدن فضای امنیتی و سرکوبگرانه در کردستان، پایان دادن به خشونت و سرکوب مردم توسط نیروهای نظامی و امنیتی و انتظامی، پایان دادن به دستگیری های خودسرانه و به هرگونه شکنجه و بدرفتاری در زندان، پایان دادن به مزاحمت ها و گشت ها و دخالت های خودسرانه مأموران دولتی در کردستان، پایان دادن به تیراندازی های نامسئولانه نیروهای انتظامی به مردم عادی
- ۳- آزادی بیان، آزادی انتشارات، مطبوعات و رسانه ها؛ آزادی اجتماعات، جلسات و گردهمایی ها
- ۴- آزادی تشکلهای مدنی از قبیل اتحادیههای صنفی، نهادهای کارگران، معلمان، دانشجویان، دانش آموزان و سازمان های غیردولتی

- ۵- آزادی فعالیت تشکل های مستقل زنان در کردستان و نهادهائی که برای حقوق برابر زنان تلاش می کنند، آزادی کامل پوشش
- ۶- آزادی کامل فعالیت سیاسی در کردستان و از جمله آزادی بی چون و چرای فعالیت احزاب سیاسی گرد

این مطالبات تراوشات فکری هیچ فرد و یا گروه به خصوصی نیست، بلکه جمع بستی است از خواست هایی که سال هاست در شعور عمومی مردم کردستان وجود دارد و در مقاطع گوناگون از طرف بسیاری از مبارزان و کوشندگان سیاسی و روشنفکران و صاحبان قلم و احزاب سیاسی کرد بیان شده است. الزاما کلام آخر هم نیست، بلکه امیدوارم که انتشار آن به آغاز تبادل نظری سازنده میان احزاب و شخصیت ها و صاحب نظران سیاسی کردستان بینجامد تا در صورت لزوم با اصلاح و تکمیل آن، مبنائی برای امر حیاتی اتحاد سیاسی در کردستان فراهم آید. نیز امید آن دارم که با عرضه آن به پیشگاه افکار عمومی نوشته حاضر بخت آن را بیابد که به انحاء گوناگون مورد بحث و گفتگو، و در صورت پسند افتادن مورد حمایت و پشتیبانی شخصیت های سیاسی و فرهنگی، فعالان سیاسی، روشنفکران، روزنامه نگاران، دانشجویان، جوانان، زنان، نهادهای صنفی و اجتماعی و احزاب سیاسی کرد قرار گیرد و به این ترتیب به نقطه اجماعی برای حرکت های مدنی در کردستان تبدیل شود.